

کنجکاو شوید

همیشه آدم‌هایی بوده‌اند و هستند که برای موفقیت تکیه به زبان چرب و وجود ریاکارشان زده‌اند. حالا یا در محیط کار یا در موقعیت‌های

مرتضی صالح‌آبادی
نویسنده

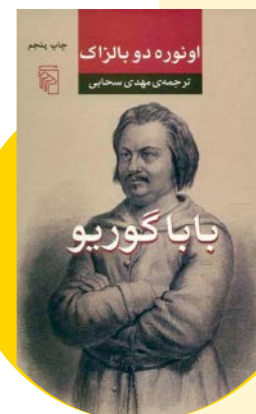
عاطفی نظیر ازدواج یا در عرصه فرهنگ و هنر. میدان‌شان فرق می‌کند، اما ابزار همیشه یکی است و فقط شکل و نوع استفاده فرق دارد. باباگوریو داستان دوره‌ای از زندگی ساکنان پانسیون ارزان و سطح پایین عرفی دریکی از خیابان‌های پاریس اوایل قرن نوزدهم است. کشاورز زاده جوانی که دانشجوی رشته حقوق است ساکن این پانسیون است و شخصیت اصلی این رمان - راستیناک جوان - با آرزوهایی بلند در سر، راهی پاریس شده تا در آن به مدارج عالی علمی و اجتماعی برسد. او شبیه خیلی از افراد یک اجتماع متقلب تنها راه تند و سریع طی کردن پله‌های ترقی را در ارتباط با کسانی می‌بیند که شیفته سفله‌پروری و رانت و ظواهر هستند. او پیشرفت خود را در ارتباط با زنان سرشناس و ثروتمند شهر می‌بیند و با نوشتن نامه‌ای، تمام سرمایه خانواده‌اش را وام می‌گیرد تا ظاهر خود را شبیه افراد متمشخص بیاراید، زیرا که دروازه ورود به دنیای اشراف، ظاهری آراسته داشتن است. او با توصیه‌ی یکی از بستگان درمهمانی زنی از طبقه اشراف وارد شده و مجذوب مهمانی‌ها و زندگی این طبقه از جامعه می‌شود. در این میان باباگوریو، پدری که دختران خود را به حدپرستش دوست دارد یکی دیگر از ساکنان پانسیون است که دخترانش پس از ازدواج و گرفتن میراث فراوان از پدر، او را ترک می‌کنند و ادامه داستان بهانه‌ای می‌شود تا ما با زندگی انسان و تماشای او در دنیایی که در آن بسر می‌برد، همراه شویم. بالزاک به نقادی از یک جامعه اشرافی می‌پردازد و از پشت‌ظاهر زیبا و فریبنده این جامعه خباثت‌های ریاکارانه آن را به تصویر می‌کشد و به آدم‌هایی مانند قاضی، کنت، کنتس و... که در آن دوران به نوعی الگو بودند به شدت می‌تازد. گفته می‌شود اونوره دو بالزاک، نویسنده مشهور فرانسوی در طول عمر نویسندگی خود بیش از ۱۳۰ رمان و داستان منتشر کرده‌است؛ آثاری که به نوعی آینه‌ای تمام‌نما از فرهنگ جامعه، اخلاق، رفتار، عرف و باورهای هموطنانش در آن دوران است.

باباگوریو آن قدر داستان مهمی در تاریخ ادبیات داستانی است که کلود فارر، عضو فرهنگستان فرانسه ادعا کند آن را صدبار خوانده و همچنان برایش هیجان‌انگیز است. داستانی پر از جزئی‌نگری

و توصیفات دقیق که هر چند مخاطب امروز این حجم از توصیف و پرداخت به جزئیات را تاب نیاورد اما همین توصیف دقیق و مبسوط، بستر مناسبی برای معرفی کاراکترهای داستان و برانگیختن حس کنجکاوی خواننده با انگیزه پیگیری و کشف سرنوشت شخصیت‌های این رمان کلاسیک شده‌است. □



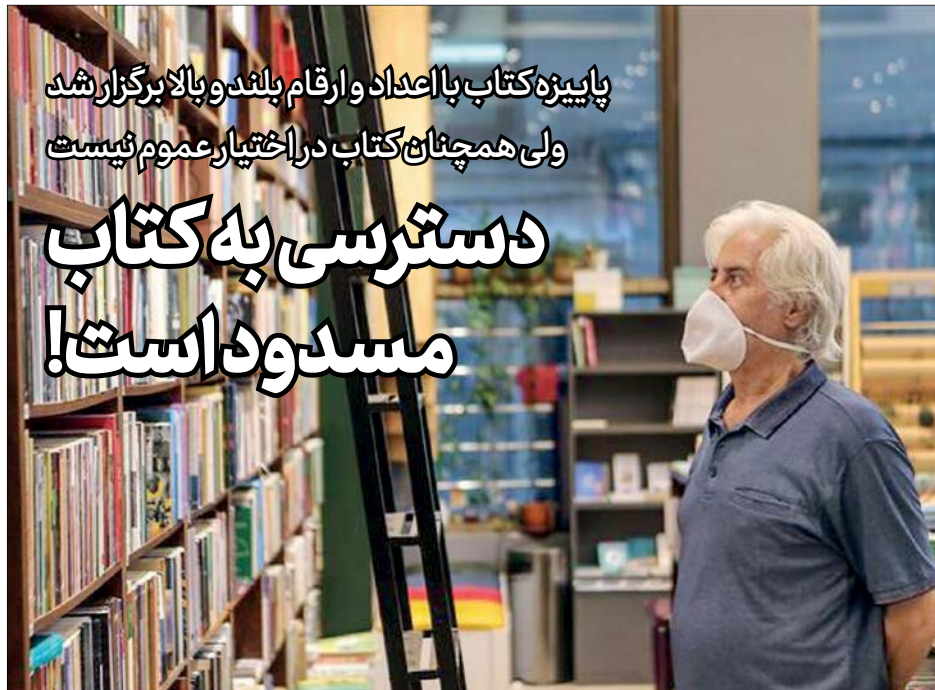
در این که جامعه ما فرهیخته است و در صورتی که شرایط دسترسی به کتاب برای همه فراهم باشد مطالعه امری جدی‌تر خواهد بود؛ تردیدی نیست، ولی نباید فریفته اعداد شد



عکس: آنا

پاییزه کتاب با اعداد و ارقام بلند و بالا برگزار شد
ولی همچنان کتاب در اختیار عموم نیست

دسترسی به کتاب مسدود است!



در طرح پاییزه امسال با افزایش ۴۳ درصدی به ۴۵۸ هزار و ۸۳۳ نسخه کتاب به مبلغ ۱۹۸ میلیارد و ۳۷۰ میلیون و ۵۹۱ هزار و ۷۳۰ ریال رسیده‌است. بسیاری با دیدن این اعداد ذوق زده شده و خوشحال شدند و حتی نوشتند که این نشان از کتابخوان بودن جامعه ایرانی دارد. در این که جامعه ما فرهیخته است و در صورتی که شرایط دسترسی به کتاب برای همه فراهم باشد مطالعه امری جدی‌تر خواهد بود؛ تردیدی نیست، ولی نباید فریفته اعداد شد. هرچند که ما مصرف‌کننده‌های قهار اعداد و ارقام هستیم و به هر طریقی شده تلاش می‌کنیم با اعداد و ارقام زنده بمانیم. گفته شده تعداد کتاب‌های به فروش رفته امسال در قیاس با سال قبل ۴۳ درصد رشد داشته است! رشدی که در قیاس با جمعیت کل کشور اگر در نظر گرفته شود «هیچ» است و این مساله در روایت‌های خبری نادیده گرفته می‌شود.

به‌طور قاطع می‌توان گفت، هیچ‌کس مطرح نکرد که این رشد در قیاس با کل کشور آیا یک اتفاق محسوب می‌شود یا این که قدم بزرگی نباید آن را دانست و تا تحقق شعارهای فرهنگی دولت مسیر بسیاری مانده درحالی که فرصتی برای دولت باقی نمانده است. نکته جالب توجه که بسیاری از رسانه‌ها آن را برجسته کردند میزان فروش این طرح بود.

با توجه به رشد کمتر از ۵۰ درصدی تعداد کتاب‌های به فروش رفته اما میزان مبلغ فروش بیش از صد درصد رشد داشته است که نشان می‌دهد افزایش قیمت کتاب چشمگیر بوده و این خود را در این آمار نشان می‌دهد و در شرایط کنونی اقتصادی حاوی پیام منفی به بازار کتاب است که احتمالاً بسیاری کتاب را از سبد خانواده خود حذف کنند یا شاید کرده باشند. نکته‌ای که در گزارش‌ها، آمارها، اعداد و ارقام معمولاً از آن غفلت می‌شود این است که کدام استان‌ها کمترین میزان فروش را داشته‌اند در حالی که همواره روی استان‌های پرفروش تاکید می‌شود ولی اشاره‌ای به استان‌هایی که کمترین میزان فروش را داشته‌اند نمی‌شود.

به نظر می‌رسد دسترسی به کتاب مقوله‌ای است که پیش از مانورهای این چنینی باید حل شود که البته این دسترسی فقط محدود به توزیع نیست، بلکه توانایی خرید و حتی تجهیز کتابخانه‌های عمومی به کتاب‌های روز مصداق دقیق‌تر دسترسی به کتاب است. بهتر است مسؤولان مربوطه به جای پرداختن به آمار و ارقام و خواندن آنها به مخاطبان، دسترسی‌ها را باز کنند تا همه در آزادراه کتاب حرکت کنند. □

ما تشنه اعداد و ارقام هستیم. مثلاً همین که گفته شود فلان کشور سرانه مطالعه‌اش بیش از ۶۰ دقیقه در روز است تبدیل می‌شود به یک بهشت! بهشتی که اعداد و ارقام، سازنده آن هستند و ساکنانش هم اسیر این عددبازی‌ها. اصلاً باید گفت ساکنان آن بهشت عدد می‌خورند و زیر سایه اعداد زندگی می‌کنند. برای انسانی که با اعداد و ارقام حتی نفس می‌کشد و زنده است (رجوع کنید به آمار روزانه قربانیان کرونا در کشورمان که میزان رعایت اصول بهداشتی بستگی به تعداد جان‌باختگان آن روز دارد) کتاب‌ها نیز با اعداد و ارقام معنا پیدا می‌کنند و برای همین است که سال‌هاست سطح فرهنگ و دانش با عبارت «سرانه مطالعه» معنا می‌شود؛ عبارتی که پشتوانه آن عدد و رقم است و اگر نبود این اعداد، حتماً اهمیت این ترکیب هم به مراتب پایین‌تر از چیزی بود که امروز هست!

بگذریم، چون نمی‌خواهم خیلی درباره اعداد و منطق حاکم بر ذهن خودمان حرف بزنم؛ منطقی که اعداد در آن جایگاه و مفهوم ویژه‌ای دارد، بلکه می‌خواهم با یک بازی عددی شما را مواجه کنم.

هفته کتاب در حالی پشت سر گذاشته شد که کرونا بسیاری را خانه‌نشین کرده و البته اوضاع اقتصادی هم مزید بر علت بود که بسیاری به‌خصوص کتابفروش‌ها و ناشران بابت اوضاع پیش آمده و ضربه‌هایی که نشر در این شرایط خورده گلایه داشته باشند.

در این شرایط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با برگزاری یکی دیگر از طرح‌های فصلی فروش کتاب سعی کرد شوکی به بازار وارد کند تا از این حالت خارج شود. اتفاقی که با استقبال ناشران و به‌خصوص کتابفروش‌ان روبه‌رو می‌شود.

طرح پاییزه کتاب در حالی با تخفیف ۲۰ درصدی روی کتاب‌ها آغاز شد که هرکسی می‌توانست تا سقف ۲۰۰ هزار تومان از این تخفیف‌ها استفاده کند. در پایان این هفته در ارائه آمارها گفته شد که نسبت به سال قبل همه چیز رشد داشته و اوضاع بروفق مراد بوده است.

برای مثال گفته شد: «در پاییزه کتاب سال ۳۲۰،۹۸ هزار و ۹۸۶ نسخه کتاب به مبلغ ۹۸ میلیارد و ۵۹۴ میلیون و ۵۹۸ هزار و ۳۹۷ ریال فروخته شد اما تعداد کتاب‌های فروخته شده



حسام آبنوس
دبیر قفسه کتاب